پایان عصر راه حل‌های تک بعدی و دوقطبی‌های کاذب فرا رسیده است

پیمان ملی برای عبور از نزاع فرسایشی

یادداشت

حسین آجورلو
عضو هیأت علمی دانشگاه بین‌المللی علامه عسگری و تحلیلگر امنیت بین‌الملل

پس از جنگ تحمیلی سوم، مسأله ایران دوباره جان گرفته و این سؤالات آشنا و دیرینه پرتکرار شده است. چرا به نقطه جنگ رسیدیم؟ و چرا با وجود آن همه تلاش، ایثار و مقاومت، هنوز ثبات و امنیت پایداری به طور کامل محقق نشده است؟ این پرسش‌ها اما این بار با گذشته فرق می‌کند. یک زخم تازه بر پیکر این سرزمین نشسته است، شهادت رهبر معظم انقلاب اسلامی در بحبوحه جنگی که بسیاری آن را پایانی بر یک دوران می‌دانستند. حالا ملت ایران و نخبگان مؤمن به ارزش‌های ایرانی و اسلامی بر سر یک دو راهی بزرگ ایستاده‌اند. یک سو، ندای کسانی است که مذاکره عزتمندانه با دشمن را تنها مسیر بقا می‌دانند. سوی دیگر، صدای آنانی است که ادامه رویارویی عاشورایی را تنها راه بقا می‌شمارند. این دوقطبی که بعضاً به تعارض جدی سیاسی و طرح اتهاماتی سنگین همچون خیانت و جهالت به یکدیگر شده، زخم کهنه‌ای را تازه کرده که چرا ایرانیان حتی در چنین لحظات سرنوشت‌سازی نمی‌توانند به یک توافق ملی برسند؟

هر یک از متفکران پاسخی به میان آورده و برای اثبات آن، دلایل و مصادیق تاریخی محکمی بیان کرده‌اند. اما مشکل دقیقاً در همین نقطه است، هر کدام از این پاسخ‌ها اگرچه در جای خود درست است، اما وقتی به عنوان تنها علت و تنها راه‌حل مطرح شده، به بن‌بست انجامیده است. بیایید این دیدگاه‌ها را مرور کنیم تا دریابیم چرا نگاه تک‌بعدی، خود بخشی از مشکل شده است.

برخی نخبگان حاکم و کنشگران را عامل اصلی مشکلات می‌دانند و معتقدند توهم، کج‌فهمی یا رقابت‌های جناحی آنها منافع ملی را قربانی کرده و تصمیم‌های نادرستشان مسیر کشور را تغییر داده است. اما این دیدگاه این موضوع را نادیده می‌گیرد که نخبگان محصول ساختارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و محدودیت‌های تاریخی‌اند. اگر این ساختارها اصلاح نشوند، حتی با جایگزینی نخبگان نیز همان چرخه تکرار می‌شود و تنها جابه‌جایی قدرت رخ خواهد داد.

گروهی ریشه مشکلات را در ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌دانند که با تمرکزگرایی، نبود شفافیت و پاسخگویی و بوروکراسی ناکارآمد، خلاقیت را سرکوب کرده‌اند. اما این دیدگاه نادیده می‌گیرد که ساختارها ساخته انسان‌ها و بازتاب ذهنیت‌ها و باورهای آنها هستند. ساختار هم علت است و هم معلول؛ بنابراین بدون تغییر نگرش و پذیرش تحول، اصلاح ساختارها نیز به نتیجه نخواهد رسید.

گروه سوم آمیختگی دین و سیاست را عامل انحراف دین و توجیه وضع موجود می‌شمارند و برخی دیگر کنار رفتن دین از عرصه عمومی و حذف اخلاق از سیاست را منشأ بحران می‌دانند. اما هر دو، دین را امری ایستا می‌بینند، در حالی که تاریخ تشیع نشان می‌دهد مسأله ذات دین نیست، بلکه نوع تفسیر از آن و منافعی است که پشت آن قرار دارد.

نظریه چهارم ریشه مشکلات را در استعمار و دخالت بیگانگان از قراردادهای قاجار و کودتای ۲۸ مرداد تا تحریم‌ها، جنگ تحمیلی و جنگ اخیر می‌داند و ایران را قربانی قدرت‌های بزرگ معرفی می‌کند. اما این نگاه، نقش اراده و انتخاب‌های داخلی را نادیده می‌گیرد، مسئولیت خطاها را پنهان می‌کند و می‌پندارد بدون دشمن خارجی همه مشکلات حل می‌شد، در حالی که حتی زیر فشار نیز گزینه‌های متفاوتی وجود داشته است.

برخی، جغرافیا و موقعیت ژئوپلتیک ایران را منشأ مشکلات می‌دانند و معتقدند قرار گرفتن در چهارراه تمدن‌ها، همسایگی با قدرت‌های رقیب، منابع عظیم انرژی و تنوع قومی، ایران را همواره در معرض رقابت و ناامنی قرار داده است. اما این نگاه نیمه دیگر واقعیت را نادیده می‌گیرد؛ زیرا همین موقعیت می‌توانست ایران را به مرکز تجارت جهانی، قدرت اقتصادی منطقه و برخوردار از سرمایه عظیم فرهنگی و قدرت نرم تبدیل کند. مسأله، جغرافیا نیست، بلکه ناتوانی در تبدیل ظرفیت‌ها به فرصت است.

نظریه دیگر، فرهنگ عمومی ایرانیان را عامل اصلی می‌داند و به ویژگی‌هایی مانند فردگرایی، بی‌اعتمادی، تقدیرگرایی، ترجیح منافع شخصی و دشواری اجماع اشاره می‌کند. با این حال، فرهنگ امری ثابت نیست؛ همان جامعه در مقاطع مهمی چون مشروطه، ملی شدن نفت، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، همبستگی و ایثار کم‌نظیری نشان داده است. فرهنگ در بستر شرایط تاریخی شکل می‌گیرد و با تغییر این شرایط، قابلیت بازآفرینی دارد.

گروه هفتم مشکلات ایران را حاصل تعامل عوامل مختلف می‌دانند و از نگاه‌های تک‌بعدی فراتر می‌روند. اما ضعف این دیدگاه آن است که معمولاً به توصیف پیچیدگی‌ها بسنده می‌کند و راه‌حلی منسجم ارائه نمی‌دهد. صرف پذیرش درهم‌تنیدگی عوامل، بدون تعیین نقطه شروع و نقشه راه، به سرگردانی در عمل می‌انجامد.

اکنون که روشن شد هیچ‌یک از این هفت دیدگاه به‌تنهایی راهگشا نیست، باید پرسش را تغییر دهیم؛ نه اینکه چرا ایران ناکام مانده که چگونه می‌توان ایران مطلوب ایرانیان را ساخت. ایران، پس از جنگی بزرگ و شهادت رهبرش همچنان از تاریخ، نیروی انسانی، منابع طبیعی، فرهنگ و دین غنی برخوردار است. مسأله کمبود ظرفیت نیست، ناتوانی در فعال‌سازی و بهره‌گیری از این سرمایه‌های عظیم است.

پاسخ اصلی، تحول در حکمرانی است؛ تحولی که کرامت همه‌جانبه انسانی و معنوی را محور سیاست‌گذاری قرار دهد و شرط بقا و تعالی ایران باشد. تصور کنید اگر قرار بود فردا صبح، ایران جدیدی متولد شود، این ایران چه مشخصه‌هایی دارد؟ بیایید این تصویر را از چند زاویه ترسیم کنیم.

در ایران مطلوب، نخبگان سیاسی، اقتصادی، دفاعی و فرهنگی بر سر یک پیمان ملی به توافق رسیده‌اند؛ رقابت بر پایه شایستگی، شفافیت و خدمت است، نه حذف رقیب و سهم‌خواهی. با حاکمیت قواعد عادلانه، انگیزه تخریب و انحصار نیز از میان می‌رود.

در این ایران، ساختارها چابک، هوشمند و پاسخگو شده‌اند. نهادهای موازی و موازی‌کاری‌های فرسایشی از میان رفته و به جای آنها، نهادهایی شفاف و مسئول شکل گرفته که هر یک وظیفه مشخصی دارند. اقتصاد از چنگال اقتصاد دولتی و انحصارطلب رها شده و میدان برای کارآفرینان، دانشمندان و جوانان خلاق باز شده است. مردم دیگر تماشاچی اداره کشور نیستند، آنها شریک و سهیم در پیشرفت کشورند. سرمایه‌های خردشان را در پروژه‌های بزرگ ملی سرمایه‌گذاری می‌کنند و در سود و زیان آن شریک می‌شوند. این گونه، دیگر شکافی بین دولت و ملت وجود ندارد، چون دولت، نماینده ملت در اداره امور است.

در این ایران، دین در بهترین و رفیع‌ترین جایگاه خود نشسته است، جایگاه اخلاق و معنویت و وجدان بیدار جامعه. فقه پویا و اجتهاد زمان‌شناس، پشتیبان حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و کرامت ذاتی همه انسان‌ها فارغ از عقیده و قومیتشان شده است. روحانیت، رسالت اصلی خود یعنی راهبری همه جانبه جامعه، هدایت اخلاقی، التیام دردهای جامعه و دفاع از مظلومان را انجام می‌دهد. مسجد و منبر، پناهگاه حل چالش‌های اساسی کشور با تکیه بر معنویت و مرکز امیدآفرینی و همبستگی است.

در عرصه سیاست خارجی، ایران بدون وابستگی به قدرت‌های بزرگ از تنهایی استراتژیک خارج شده است. خروج از این تنهایی با ارتقای جایگاه دیپلماسی هوشمندانه و فعال به‌جای استفاده گزینشی و پشتیبان مأموریت‌های دیگر، حاصل می‌شود. ایران به کانون اتصال تمدن‌ها و پل ارتباطی شرق، غرب، شمال و جنوب تبدیل شده است. کریدورهای ترانزیتی از خاک ما می‌گذرند، سرمایه‌های منطقه‌ای و جهانی به سوی ما سرازیر می‌شوند و ما با همه همسایگان، روابطی مبتنی بر احترام متقابل و منافع مشترک داریم. جهان، ایران را به جای تهدید یا یک قربانی، به عنوان یک شریک ضروری و یک قدرت مسئول در معادلات خود به رسمیت می‌شناسد.

در عرصه فرهنگ، ایران به ملتی واحد با هویتی فراگیر تبدیل شده که ریشه در تاریخ، ارزش‌های اسلامی و پذیرش تنوع قومی، زبانی و مذهبی دارد. نهادهای فرهنگی نیز با خلق روایت‌های مشترک ملی و اسلامی، حس مشارکت و قهرمانی را در میان همه ایرانیان تقویت می‌کنند.

راز موفقیت این فرآیند، همزمانی تمام نظریه‌های شکست‌خورده گذشته است که می‌خواستند مشکلات را به صورت خطی و تک‌تک حل کنند. می‌گفتند اول امنیت، بعد اقتصاد. اول فرهنگ، بعد سیاست. اما این عوامل یک شبکه درهم‌تنیده هستند و باید همزمان به همه آنها پرداخت. این حرکت بزرگ ملی باید از جایی شروع شود. شاید نقطه آغاز، یک پیمان ملی میان جریان‌های اصلی سیاسی و فکری درون نظام باشد. پیمانی که در آن، بر سر حداقل‌های مشترک ملی توافق شود. طرف‌های این پیمان می‌پذیرند که مسیر پیشرفت ایران از دل احترام به انسجام ملی، کرامت انسان، عدالت اجتماعی، شفافیت و پاسخگویی می‌گذرد. آنها می‌پذیرند که اختلاف نظرها را به جای خیابان و فحاشی، بر سر میز گفت‌وگو و بر اساس قواعد عادلانه حل کنند. این پیمان می‌تواند به مثابه هسته اولیه یک قرارداد اجتماعی جدید باشد که به تدریج همه ملت را در بر بگیرد.

ایران امروز در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود قرار دارد؛ داغ شهادت رهبر انقلاب تازه است و دوقطبی مذاکره یا رویارویی جامعه را ملتهب کرده است. در چنین شرایطی، راه‌حل‌های تک‌بعدی چه اتکای مطلق به مذاکره و چه تداوم تنش کارساز نیست. راه نجات، بازآفرینی حکمرانی بر پایه حفظ عزت و استقلال، همراه با تعامل هوشمندانه با جهان از مسیر اصلاح رابطه دولت و ملت، ترمیم اعتماد عمومی و فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی است. تاریخ نیز نشان می‌دهد ملت‌هایی که پس از بحران به بازاندیشی روی آورده‌اند، به قدرت‌های بزرگ تبدیل شده‌اند و ایران نیز چنین ظرفیتی را دارد. زمان برای بحث‌های بی‌حاصل و نزاع‌های فرسایشی رو به پایان است. زمان انتخاب بزرگ فرا رسیده است.

> راه‌حل‌های تک‌بعدی چه اتکای مطلق به مذاکره و چه تداوم تنش کارساز نیست. راه نجات، بازآفرینی حکمرانی بر پایه حفظ عزت و استقلال، همراه با تعامل هوشمندانه با جهان از مسیر اصلاح رابطه دولت و ملت، ترمیم اعتماد عمومی و فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی است

نماینده ولی فقیه در عراق و سوریه در گفت‌وگو با «ایران» مطرح کرد

رهبر شهید، رهبری فراملی بود

گفت وگو

گروه سیاسی

هنوز جهان مبهوت وسعت و جمعیت ایرانیان حاضر در مراسم تشییع رهبر شهید آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای بود که تصویری چه بسا تاریخی‌تر منطق ذهنی حاکم بر روابط بین‌الملل را به چالش کشید؛ تشییع رهبر شهید در نجف و کربلا. مراسمی که از هر جهت روایتگر واقعیت اتحاد و همبستگی ملت‌های مسلمان و امت واحده‌ای بود که داغدار از دست دادن نه فقط یک رهبر دینی که سوگوار فقدان رهبر سیاسی بودند که با ایستادگی خود معادلات قدرت در جهان زر و زور را برهم ریخت. واقعیتی که در گفت‌وگویی کوتاه با آیت‌الله سیدمجتبی حسینی نماینده ولی فقیه در عراق و سوریه به تبیین چرایی آن پرداختیم.

تشییع پیکر رهبر شهید در عراق از منظر اتحاد فراملی مسلمانان و شیعیان چه اهمیتی داشت؟

رهبر شهید، انسان فرهیخته و بزرگواری بودند که ما در تاریخ یک قرن اخیر کمتر شخصیتی به جامعیت ایشان داشته‌ایم. پیامی هم که مراسم تشییع فراملی ایشان در شهرهای نجف و کربلا داشت این بود که ایشان صرفاً رهبر جمهوری اسلامی ایران نبود، بلکه یک متفکر و ناصح اسلامی بود که در سایر کشورها نیز از مکتب فکری ایشان پیروی و از مطالب و مواضع‌شان استفاده می‌کردند و ایشان نیز سایر جوامع را تحت تأثیر قرار می‌دادند.

توجه داشته باشیم که امام خمینی(ره) نیز بارها تصریح کرده بودند که انقلاب اسلامی مختص ایران نیست، زیرا انقلاب اسلامی در ذات خود «عود علی‌الاسلام» یعنی بازگشت به سوی اسلام است. بر همین اساس فرمایشات و تفکرات رهبر شهید در جوامع مختلف اثر داشت و اینکه در عراق مراسم تشییع با چنان جمعیت بی‌نظیری برگزار شد مهر تأیید و سند عینی این حقیقت بود که انقلاب از مرزهای ایران خارج شده و در عراق و بسیاری از دیگر کشورها منتشر شده است. این تشییع رمز انتشار وسیع انقلاب و اقتدای بسیار شریفی است که ملت عراق و دیگران به رهبر شهید انقلاب دارند. آنها باورشان این است که باید از اندیشه‌های رهبر شهید به عنوان اسوه و الگو استفاده شود. البته با توجه به بینش باز و رشد فکری ملت عراق بسیاری از شکاف‌ها و دوگانه‌هایی که قبلاً بود مثل عرب و عجم، عراقی و ایرانی از میان رفته است. این است که آنها همه می‌گویند «عراق و ایران لایمکن الفراق» یعنی اینها نمی‌توانند از هم جدا باشند و ملت واحدی هستند. البته برای انتظام امور مرزها مشخص شده‌اند و هر دو ملت و دولت به تمامیت ارضی یکدیگر احترام می‌گذارند، اما این منافاتی با حقیقت در کنار یکدیگر بودن و اتحاد دل‌ها و اراده‌های دو ملت ندارد.

تشییع پیکر رهبر شهید در بیرون مرزهای ایران و البته در امتداد جغرافیای معنوی تشیع علوی چه روایتی را به افکار عمومی جهان ارائه کرد و حائز چه پیامی برای دشمنان ایران بود؟

اندیشه امام خامنه‌ای (رضوان‌الله تعالی علیه) اندیشه اسلامی بود و نه فقط اندیشه ایرانی. حتی ایشان ایرانی بودن و میهن‌دوستی را نیز از نظرگاه اسلامی و در تعهد و تجهد برای وطن، احیای وطن و حفظ وطن بیان می‌داشتند. بنابراین، مردم عراق با این تشییع در حقیقت می‌خواستند بگویند ارزش‌هایی که در مکتب این امام بزرگوار بوده است که انسان فراملی بیندیشد و عمل کند را به جان دل ارزش می‌گذارند و پیروی می‌کنند. از جمله این اندیشه از مکتب ایشان که اگر ملت‌های دیگر هم ضعف و مشکلی دارند به کمک آنها بشتابیم و البته این امر قرآن است که در آیه ۷۵ سوره نساء می‌فرماید: «چه شده که شما مبارزه نمی‌کنید در باب دفاع از مردها، زن‌ها و بچه‌ها» و در این آیه اسم شیعه و سنی، مسلمان و غیرمسلمان نیامده است. بر مبنای همین اعتقاد است که جمهوری اسلامی هم دفاع از شیعه کرده هم از سنی؛ در بوسنی و هرزگوین، عراق، سوریه، غزه و در جمیع جاهایی که انسان‌های مظلوم دستی به یاری خواستن بلند کرده باشند یا حتی دولت‌ها اجازه کمک داده باشند جمهوری اسلامی در نجات ملت‌ها شتاب کرده است.

بنابراین، این تشییع یک مانور اعتقادی-سیاسی بود. ملت عراق می‌گویند ما تابع این رهبریم و رهبری ایشان اختصاص به مرزها نداشته است. اصلاً مراجع عظام مراجع دین‌اند. هر کس که آن دین و مذهب را دارد در هر کجای جهان می‌تواند به آنها اقتدا کند. مرزها نمی‌توانند مانع از حسن ارتباط اندیشه‌ها و افکار شوند.

از آنجا که شما مسئولیت نمایندگی ولی فقیه در عراق و سوریه را بر عهده داشته‌اید ارزیابی‌تان از رابطه متقابل میان شیعیان منطقه و رهبر شهید انقلاب در سال‌های حیات و رهبری‌شان چه بوده است؟

این رابطه متقابل بین ایران و عراق، ایران و سوریه و دیگر کشورهای همسایه و مسلمان قبلاً هم بوده است، حالا شاید نه به این محکمی. تعصبات در دوره‌هایی سبب افتراق و جدایی شدند، ولی الحمدلله این تشییع نشان داد که چگونه همه تعصبات کور کنار گذاشته می‌شوند. ملت عراق برای دفاع از رهبری جمهوری اسلامی که در حقیقت مرشد تمام جهان اسلام است، به میدان آمد. اندیشه مرز ندارد، دین مرز ندارد، مرز آن دل و روح مؤمنان است. بنابراین مصداق رابطه متقابلی که میان جمهوری اسلامی ایران و همه شیعیان و مسلمانان منطقه و بلکه جهان ایجاد شده است همین است که پیش چشم‌مان رخ داد. قوانین هر کشور محصور خودش است ولی ما در دفاع از همسایه و هم‌کیش و در دفاع از آزادی و آزادگی نباید محصور مرزها باشیم. رأفت، محبت و دفاع از ارزش‌ها مرز ندارد. گاهی در این دوازده سالی که نمایندگی ولی فقیه در سوریه و ده سالی که نمایندگی ولی فقیه در عراق را بر عهده داشتم برادرانی گله می‌کردند که چرا مقام معظم رهبری برای ما رهبریت نمی‌کند. عرض می‌کردم که اگر ایشان امامت‌شان را متوجه مردم دیگر کشورها می‌کردند حساسیت‌ها برانگیخته می‌شد و افرادی سوءاستفاده کرده و ایشان را متهم به اقدام غیرقانونی می‌کردند. اما وقتی مقام معظم رهبری در داخل ایران و با مخاطب قراردادن مردم ایران مطالبی را درباره سیاست، اقتصاد، فناوری و... می‌فرمودند این اختصاص به ایران نداشت و ندارد. تمام این مسائل در عراق و دیگر کشورهای اسلامی باید ترویج بشود. مردم دنبالش باشند و مسئولین هم سهولت برقرار کنند و خلاصه اینکه اندیشه اسلام را که به تعبیر قرآن همیشه زنده است، احیا کنند.

> این تشییع یک مانور اعتقادی-سیاسی بود. ملت عراق می‌گویند ما تابع این رهبریم و رهبری ایشان اختصاص به مرزها نداشته است

نوبت دوم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
خدمات و فضای سبز شماره ۳۵۶-کا/ ۰۵

کارخانه تولید کاغذ اسناد بهادار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نظافت محوطه و ساختمان ها و امور خدماتی (راننده و...) ساختمانی - آشپزخانه (طبخ و توزیع) و همچنین عملیات نگهداری و احداث فضای سبز و انجام امور مربوط به بخش تکمیلی خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا متقاضیان شرکت در فرآیند ارجاع کار می‌توانند جهت دریافت مشخصات و اسناد مناقصه از تاریخ انتشار آگهی نوبت دوم ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir با شماره فراخوان ۲۰۰۵۰۰۹۰۳۰۰۰۰۰۱ مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند، همچنین **آخرین مهلت تکمیل و ارسال پیشنهادها از طریق سامانه یاد شده** ساعت ۱۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۷ می‌باشد. (پیشنهاد خارج از سامانه ستاد قابل پذیرش نمی‌باشد.)

تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۲۱,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ (بیست و یک میلیارد و پانصد میلیون)ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر بدون قید و شرط و مدت اعتبار سه ماه می‌باشد. مدت اعتبار پیشنهاد قیمت سه ماه و زمان بازگشایی پاکت‌ها در مرحله اول (الف و ب) روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۰ می‌باشد. در ضمن کارخانه تولید کاغذ اسناد بهادار در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار می‌باشد.

تحویل پاکت الف (تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار) در زمان یاد شده به دفتر بازرگانی کارخانه تولید کاغذ اسناد بهادار به نشانی مازندران، آمل، کیلومتر ۷ جاده چمستان الزامی می‌باشد.

شماره تماس: ۴۴۹۰۲۱۲۷ و ۴۴۹۰۲۱۳۰-۰۱۱

موسسه تحقیقات واکسن و سرم سازی رازی

ابلاغ رأی اخراج

جناب آقای سجاد فیروزیار

با ملاحظه اسناد و مدارک موجود در پرونده، تخلف منتسب به شما منطبق با بند (۲۹) ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان مبنی بر غیبت غیرموجه را محرز تشخیص داده و جنابعالی به استناد بند(ی) ماده(۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مجلس شورای اسلامی به مجازات "اخراج از دستگاه متبوع" محکوم می‌شوید. این رأی قابل تجدید نظر می‌باشد و سرکارعالی می‌توانید درخواست تجدید نظر خود را حداکثر ظرف مدت ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی، به امور اداری مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی تسلیم نمایید در غیر این صورت به استناد تبصره (۱) ماده(۴) قانون فوق‌الذکر، این رأی از تاریخ انقضای مهلت مذکور لازم‌الاجرا خواهد بود.

مؤسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی

شناسه ۲۲۲۴۹۵۵

پذیرش آگهی‌های روزنامه ایران ۱۸۷۷

نوبت اول

فراخوان عمومی
شناسایی پیمانکار و دعوت به مناقصه

شرکت پتروشیمی پردیس Pardis Petrochemical Company

شرکت پتروشیمی پردیس در نظر دارد مناقصه با موضوع ذیل را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه شرکت‌های متقاضی دعوت می‌گردد حداکثر از تاریخ درج آگهی لغایت ۱۴۰۵/۰۵/۰۸ نسبت به ثبت‌نام در سامانه برگزاری الکترونیک معاملات شرکت پتروشیمی پردیس به آدرس https://pardis.tender.paupc.ir و دریافت نام کاربری و رمز عبور اقدام نمایند. دریافت فرم ارزیابی کیفی و تکمیل فرم‌ها و ارائه کلیه مستندات مورد نیاز از طریق سامانه مذکور انجام خواهد شد.

الف) موضوع مناقصه:

۱-تهیه تابلو فرمان و بازسازی آسانسورهای گرانول فاز یک و دو مجتمع پتروشیمی پردیس به‌شماره PPC/۱۲۷۲-۱۴۰۵

ب) نشانی مناقصه‌گزار:

عسلویه، منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، محدوده طرح‌های پتروشیمی، مجتمع پتروشیمی پردیس

لازم به توضیح اینکه پس از بررسی‌های لازم، از متقاضیانی که واجد شرایط شناخته شوند (کسب حداقل امتیاز لازم از فرم ارزیابی کیفی پیمانکاران) جهت دریافت اسناد مناقصه دعوت به‌عمل خواهد آمد و ارسال مدارک هیچ‌گونه حقی جهت شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد. متقاضیان می‌توانند درصورت نیاز به کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۸-۰۷۷۳۷۳۲۳۳۰۵ داخلی ۲۰۲۸ (واحد امور حقوقی و قراردادها / واحد مناقصات) تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی شرکت پتروشیمی پردیس